

با انگشتم زمینه‌ی نقاشی خواهرم را دنبال می‌کنم، ریه‌هایی که از دریایی گل ساخته شده‌اند. گلبرگ‌های صورتی کم‌رنگ، سفید خالص و حتی آبی خوش‌رنگی که از هر لبه‌ی دوقلوهای بیضی‌شکل در پس‌زمینه بیرون زده‌اند و هرکدام به‌نوعی منحصر به‌فردند، طراوتی دارند که انگار تا ابد شکوفا خواهند ماند. برخی از گل‌ها هنوز شکوفا نشده‌اند و می‌توانم وعده‌ی زندگی را که بی‌صبرانه منتظر سربرآوردن از لابه‌لای آن غنچه‌های کوچک است، زیر فشار انگشتانم احساس کنم. آن‌ها را بسیار دوست دارم.

فصل ۱

استلا

همیشه از خودم می‌پرسم داشتن ریه‌هایی به این سالمی چه حسی خواهد داشت، این‌طور زنده. نفس عمیقی می‌کشم و احساس می‌کنم هوا برای ورود به بدنم و خروج از آن، سخت می‌جنگد.

با لغزیدن روی آخرین گلبرگ آخرین گل، دستم پایین می‌افتد و انگشتانم در پس‌زمینه‌ای از ستارگان کشیده می‌شوند؛ نورهای سوزنی‌شکلی که آبی برای ترسیم ابدیت نقاشی کرده بود. گلویم را صاف می‌کنم و دستم را دراز می‌کنم و کمی خم می‌شوم که عکس دونفری مان را از کنار تخت بردارم. لیخندهای مشابه مان از زیر شال‌های ضخیم پشمی بیرون زده است و چراغانی‌های تعطیلات در پارک انتهای خیابان بالای سرمان سوسو می‌زنند؛ درست مانند ستاره‌های داخل نقاشی‌اش.

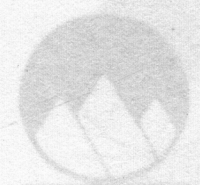
یک چیز جادویی درون آن عکس وجود داشت: درخشش ملایم تیرهای برق داخل پارک، برف سفیدی که به شاخه‌های درختان چنگ زده است و سکون آرام همه‌ی آن‌ها. سال گذشته برای این‌که بتوانیم این عکس را بگیریم، تقریباً داشتیم یخ می‌زدیم؛ اما این رسم همیشگی ما بود. من و آبی شجاعانه سرما را به جان می‌خریدیم تا بتوانیم باهم برای دیدن چراغانی‌های تعطیلات برویم.

این عکس همیشه مرا به یاد آن احساس می‌اندازد. احساس ماجراجویی کردن با خواهرم، دونفری، درحالی‌که دنیا مانند کتابی باز زیر پای مان گسترده است.

خواهرم، دونفری، درحالی‌که دنیا مانند کتابی باز زیر پای مان گسترده است.

تاریخ ثبت کتاب: ۱۳۹۸
شماره ثبت کتاب: ۱۳۹۸
محل ثبت کتاب: تهران
موضوع کتاب: ادبیات داستانی
نویسنده: [نام نویسنده]
مترجم: [نام مترجم]
موضوع کتاب: ادبیات داستانی
نویسنده: [نام نویسنده]
مترجم: [نام مترجم]

کتابخانه ملی ایران
تهران
تلفن: ۰۲۱-۸۸۱۱۲۰۰
وبسایت: www.milken.ir



کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران
تهران
تلفن: ۰۲۱-۸۸۱۱۲۰۰
وبسایت: www.milken.ir
info@milken.ir